



دستم پر از گناه چشمم پر از امید / قبل از توبه بخشیده شدی!

آیت الله مجتبی تهرانی با اشاره به روایتی از پیامبر(ص) در مورد مایوس نشدن از درگاه الهی تأکید کرد: خداوند تو را قبل از آنکه استغفار کنی می آمرزد و قبل از آنکه درخواست کنی، حاجتت را می دهد؛ همین که فهمید عبد آمده و این خواسته را می خواهد، می دهد.

آیت الله مجتبی تهرانی با اشاره به روایتی از پیامبر(ص) در مورد مایوس نشدن از درگاه الهی تأکید کرد: خداوند تو را قبل از آنکه استغفار کنی می آمرزد و قبل از آنکه درخواست کنی، حاجتت را می دهد؛ همین که فهمید عبد آمده و این خواسته را می خواهد، می دهد.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مجتبی تهرانی در بیست و دومین جلسه سخنرانی خود ویژه ماه مبارک رمضان که با موضوع «دعا؛ 171#» دنبال می شود، به موضوع «171#؛ شب قدر» پرداخته است که در پی می آید:

أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ 171#؛ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ وَ اسْمَعْ يَدَائِيْ اِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِيْ اِذَا دَعَوْتُكَ وَ اَقْبِلْ عَلَيَّ اِذَا تَجَيَّيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ اِلَيْكَ وَ وَقَعْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ؛

مروری بر مباحث گذشته

در جلسات گذشته عرض کردم ماه مبارک رمضان ماه تلاوت قرآن و ماه دعا است چه برای خود و دیگران و چه دنیوی و چه معنوی و اخروی که به آن ترغیب شده است. به خصوص نسبت به لیالی قدر که جلسه گذشته عرض کردم در روایات داریم. جلسه گذشته عرض کردم که ما به عنوان دعا از خداوند در لیالی قدر چه بخواهیم؟ عرض کردم دو چیز: یک؛ ترمیم نسبت به گذشته خودمان. اینکه گذشته خوبی نداشتیم و دستمان به خطاها آلوده شده است و خداوند با دعا آن را عفو کند، بیامرزد، ترمیم کند و ندیده بگیرد. دوم؛ مسئله بهترین ترسیم نسبت به امور آینده مان، یعنی سال آینده؛ چون در شب قدر امور آینده تمام موجودات ترسیم می شود.

دستم پر از گناه، چشمم پر از امید

حالا این دو مطلب را در چه قالبی بریزیم و به خدا عرض کنیم؟ در بین دعاها و روایات که می دیدم، روایتی توجه من را جلب کرد و چه بسا قبلاً هم در بحثها تنبّه داده باشم. راوی می گوید در مسجد الحرام بودم، به حجرالاسود رسیدم. شخصی را دیدم که مشغول نماز است، دقت کردم که ببینم کیست؛ خوب که دقت کردم دیدم زین العابدین(ع) امام چهارم است. حضرت را زیر نظر گرفتم تا اینکه از نماز فارغ شد.

راوی تعبیر می کند که: 171#؛ وَ رَفَعَ بَاطِنَ كَفِّهِ اِلَى السَّمَاءِ؛ کف دستانش را دوتایی به آسمان بلند کرد، 171#؛ وَ جَعَلَ يَقُولُ؛ شروع کرد و این جملات را فرمود: 171#؛ سَيِّدِي سَيِّدِي؛ آقای من! آقای من! 171#؛ هَذِهِ يَدَايْ؛ اینها دو دست من است، 171#؛ قَدْ مَدَدْتُهُمَا اِلَيْكَ؛ این دستها را به سوی تو دراز کردم، اما یک چیز هست، 171#؛ بِالدُّرُوبِ مَمْلُوءَةً؛ دستهایم را که به سوی تو دراز کردم، پر از گناه است، 171#؛ وَ عَيْنَايْ؛ با چشمهایم هم به سوی تو نگاه می کنم، اما، 171#؛ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً؛ چشمهایم پر از امید به توست.

این شبها به خدا چه بگویم؟/ مایوس نشو! بخشیده می شوی!

امشب به خدا چه بگویم؟ زین العابدین(ع) به ما یاد داده است. دستهایمان را بلند کنیم و بگویم: خدا! آقای من! دستهایم را به سوی تو دراز کردم اما پر از گناه است، چشمهایم هم به سوی تو دوخته ام اما آن هم پر از رجا و امید من به توست. می خواستم این را عرض کنم که در باب دعا و به خصوص در ایام قدر، انسان هیچوقت نباید به خودش تردیدی راه بدهد: خدا اینطور نیست که ما را مایوس و رد کند. این جزء آیات و معارف حتمی ماست. این را بدانید! یأس از رحمت حق از گناهان کبیره است، فقهایمان هم همه فتوا می دهند که هیچ یأسی به خودتان راه ندهید.

یکی دو تا روایت هست که این مضمون در تحف العقول، در وصایایی که علی(ع) به امام حسین(ع) کرده، موجود است و من یک جمله اش را می گویم، می فرماید: 171#؛ اَيُّ بُنَى لَا تُؤَيِّسُ مُدْنِيًّا؛ پسر من! هیچوقت گناهکارها را مایوس نکن. این عین معارف ماست.

در روایت دیگری است: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ (ع) أَهْلُ طَاعَتِي فِي ضِيَافَتِي وَ أَهْلُ شُكْرِي فِي زِيَادَتِي وَ أَهْلُ ذِكْرِي فِي نِعْمَتِي؛ بعضی اهل طاعت اند، بعضی اهل ذکرند و بعضی اهل شکرند، «وَ أَهْلُ مَعْصِيَتِي لَا أُوَيْسُهُمْ مِنْ رَحْمَتِي؛ من هیچوقت گناهکارها را از رحمت خودم مأیوس نمی‌کنم، «إِنْ تَابُوا وَ تَابُوا؛ اگر توبه کنند، «فَأَنَا حَبِيبُهُمْ؛ من دوستشان می‌شوم. اگر توبه کنی، من رفیقت می‌شوم؛ «وَ إِنْ دَعَوْا فَأَنَا مُجِيبُهُمْ؛ اگر درخواست کنند، من جواب آنها را می‌دهم. به درخواستشان عنایت می‌کنم، «وَ إِنْ مَرَضُوا فَأَنَا طَبِيبُهُمْ؛ و اگر بیمار بشوند، خودم آنها را معالجه می‌کنم. در این باب تعبیرات عجیبی داریم.

در روایتی دیدم که پیغمبر اکرم (ص) بر روی منبر نشسته بودند و صحبت می‌کردند و این جملات را می‌فرمودند: «لَا يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مَوْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنَ؛ هیچ بنده‌ای گمان نیک به خدا نمی‌برد، مگر اینکه خدا هم به همان گمان نیکش عمل می‌کند.

یعنی امشب امید دارم که از من بگذرد، پس همین امشب می‌گذرد، «لَإِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ بِيَدِهِ الْخَيْرَاتُ؛ چون خدا کریم است و در دست قدرتش خیرات است، «يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ ثُمَّ يُخْلِفَ ظَنَّهُ وَ رَجَاءَهُ؛ «نَعُوذُ بِاللَّهِ؛ خداوند شرم می‌کند، «أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ؛ از اینکه بنده مؤمنش به او حسن ظن داشته باشد که دعایش را قبول می‌کند و بعد بر خلافش عمل کند. خدا اینگونه نیست، «فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ؛ شما به خدا گمان نیک ببرید، به خدا رغبت داشته باشید یعنی رو به سوی او کنید، از او طلب کنید و به او امید ببندید. دقت کنید! در اینجا از هر دو سو مطرح می‌کند یعنی هم از نظر مسئله یأس نمی‌کند و هم از نظر امید می‌گوید: امید ببند.

زندگی من در دست امام زمان (عج)

این را می‌خواستم در باب لیالی قدر عرض کنم. اشاره کردیم شب نوزدهم لیه التقدير و شب بررسی امور است، شب بیست و یکم شبی است که امور آینده یعنی سال آینده نسبت به هر موجود و فردی ثبت و ضبط می‌شود و شب بیست و سوم، شب لیل الامضاء است، یعنی امور، خدمت امام زمان (صلوات الله علیه) عرضه می‌شود و ایشان امضا می‌کنند. در اینجا می‌بینیم که در روایات ما نسبت به شب بیست و یکم و شب بیست و سوم سفارش بیشتری شده است.

در باب شب بیست و یکم و شب بیست و سوم این مطلب را داریم. در روایتی هست که فضیل بن یسار نقل می‌کند: «قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ أَخَذَ فِي الدُّعَاءِ حَتَّى يَرْوَلَ اللَّيْلُ؛ یعنی امام باقر (ع) این دو شب را همینطور دعا می‌کرد. خوب دقت کنید! شب بیست و یکم و بیست و سوم تا شب تمام می‌شد همه‌اش دعا می‌کرد. این همان معنایی است که عرض کردم: در ماه مبارک رمضان و به خصوص لیالی قدر دعا مستجاب می‌شود و به آن سفارش شده است. در روایت ندارد که امام باقر (ع) از سر شب نماز می‌خواندند. «أَخَذَ فِي الدُّعَاءِ حَتَّى يَرْوَلَ اللَّيْلُ؛ یعنی شب که تمام می‌شد، «فَإِذَا زَالَ اللَّيْلُ صَلَّى؛ بعد از آنکه شب تمام می‌شد، می‌رفتند سراغ نافله نماز صبح و نماز می‌خواندند.

دو شب دعا/ تقدیر را عوض کن

این تعبیر هست که بعضی از بزرگان ما شب بیست و سوم را لیل قدر می‌دانند. اما راجع به روایت فضیل می‌خواهم بگویم: شب بیست و یکم مقدرات ثبت و ضبط و نگاشته می‌شود و شب بیست و سوم امضا می‌شود، که حضرت این دو شب را دعا می‌کردند.

اما راجع به شب بیست و سوم؛ این را قبلاً هم گفته‌ام و چه بسا تکراری باشد ولی تذکرش خوب است. ممکن است به ذهن بیاید که شب بیست و یکم را رد کردیم و هرچه که بنا بود برای ما نوشتند و سرنوشت ما نوشته شد، چون امور را در بیست و سوم امضا می‌کنند، یعنی آقا توشیح می‌کند. جواب: خیر. اینطور نیست که نتوان در نوشته بیست و یکم تصرف نکرد. قبول داریم که شب بیست و سوم شب امضا است اما می‌شود در آن تغییراتی ایجاد کرد.

«يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبِتُ؛ در اینجا هیچ اشکالی ندارد و تقدیر را عوض می‌کنند. در شب بیست و سوم اگر دیدی که سال آینده شرایط خوبی نداشت، در خانه خدا برو، پافشاری کن و به خدا بگو که شرایط به بهترین وجه باشد، این را عوض خواهند کرد.

دعا بلا را از بین می‌برد/ شب سرنوشت ساز

روایت از امام هفتم (ع) است: «عَلَيْكُمْ بِالْذُّعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ لِلَّهِ وَالطَّلَبُ إِلَى اللَّهِ يَرْذُ الْبَلَاءُ«؛ بر شما باد به اینکه دعا کنید، از خدا درخواست و طلب کنید که این، بلا، بدیها و هر نوع گرفتاری را رد می کند، «يَرْذُ الْبَلَاءَ وَ قَدْ قَدَّرَ وَ قَضَى وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا إِمْصَاؤُهُ«؛ دعا بلا را رد می کند. این همان بلایی است که تقدیر شده و به عنوان قضا و قدر نوشته شده ، ولی هنوز امضا نشده است.

بدانید که امشب، شب سرنوشت است. چون اگر شب بیست و یکم، آنچنان که دلمان می خواست، از لحاظ تمام ابعاد دنیوی و اخروی، آن طور که باید نوشته نشده بود؛ امشب می توانی در خانه خدا بروی و دعا کنی که: خدایا! تقدیرم را برگردان و برای من همه را خوب کن؛ او قبول می کند. لذا بزرگان ما بر روی شب بیست و سوم بیشتر تکیه می کردند. توجه کنید! می گفتند شب بیست و سوم است که شب سرنوشت ساز است.

دعایی که فراموش می کنیم

تذکر دیگری بدهم و آن اینکه موقعی که راه می افتیم تا در این مجالس شرکت کنیم یا در همین جایی که خودمان هستیم، چیزهای بسیاری در ذهنمان است که از خدا راجع به خودمان و راجع به دیگران می خواهیم. مثلاً به ما التماس دعا گفتند و ما هم در ذهنمان است که برای آنها هم دعا کنیم و البته همه مان هم مبتلا هستیم. چیزهایی در نظر گرفته ایم اما موقع دعا همه اش یادمان نمی ماند. کمتر کسی است که همه اش را به یاد داشته باشد. حالا اینجا چه کار کنیم؟ این از لحاظ ظاهر مشکلی است. دو تا روایت می خواهم بخوانم و بعد به دو امر معرفتی اشاره می کنم.

روایتی از امام صادق (ع) است که: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَبْدَأُ بِالتَّائِبِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى يَنْتَسِيَ حَاجَتَهُ«؛ بنده حاجتی دارد و می خواهد در محضر خدا دعا کند. شروع می کند به ثنا گفتن و حمد کردن که جزء آداب دعا است، «حَتَّى يَنْتَسِيَ حَاجَتَهُ«؛ حاجت هایش همه یادش نیست و فراموش می شود. حالا باید چه کار کند؟ می فرماید: «فَيَقْضِيهَا اللَّهُ لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْأَلَهُ«؛ قبل از آنکه به زبان جاری کند خدا حاجتش را داده است.

قبل از توبه بخشیده شدی!

روایت دیگر از امام صادق (ع) است: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: مَنْ سَعَلَ ذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَتْهُ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَنِي«؛ در بعضی از روایات دارد: «مَنْ سَعَلَ ذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَتْهُ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ السَّائِلِينَ«؛ به او تا آن کسانی که به زبان گفتند بهتر دادم. این جزء معارف ما و عین مفاد روایات است. در باب توبه هم همین است که وقتی واقعاً پشیمان شدی، خداوند تو را قبل از آنکه استغفار کنی می آمرزد. ببینید امشب با چه موجودی روبرو هستیم.

قبل از آنکه درخواست کند، حاجتش را برآورده کرده است. همین که فهمید عبد آمده و این خواسته را می خواهد، می دهد. مثل اینکه شخصی در خانه تان را می زند، همان موقعی که در را زد، می فهمید که چه می خواهد و می دانید برای چه آمده است. می رویم و آن چیزی که می خواهد را می دهیم. قبل از آنکه بخواهد به تو رو بیاندازد به او می دهی. ما خدایمان را نشناخته ایم، به خاطر همین است که مضطرب می شویم. بدانید که امشب، هر کس به محضر خدا برود و واقعاً از گناهانش هم پشیمان شده باشد، خدا او را آمرزیده و هر حاجتی داشته باشد، حتی اگر یادش رفته باشد برآورده می کند.